



# نام ما او

• طاهره شاه‌محمّدی  
• تصویرگر: منصوره محمّدی

خانم رحمتی گفت: «آفرین معصومه جان! حضرت معصومه (س) خواهر امام رضا (ع) است. او زنی پاک دامن و بلندمرتبه از نسل پیامبر (ص) ماست و حرمش در شهر قم است.»

بعد همان‌طور که داشتیم رنگ آمیزی‌هایمان را کامل می‌کردیم، برایمان گفت که وقتی امام رضا (ع) از مدینه به شهر توس آمد، حضرت معصومه (س) که نمی‌توانست دوری برادرش را تحمل کند، یک سال بعد، به شوق دیدن او از مدینه حرکت کرد تا خودش را به توس برساند و برادرش را ببیند. حضرت معصومه (س) دختری مؤمن بود و صحبت‌های پدرش امام کاظم (ع) را به دیگران می‌گفت، برای همین به او لقب «محدّثه<sup>\*</sup>» هم داده بودند.

دستم را بالا گرفتم و پرسیدم: «پس چرا حرم حضرت معصومه (س) در مشهد و در کنار برادرش نیست؟»

زنگ که خورد با عجله رفتم توی کلاس. من هر هفته این ساعت، برای دیدن معلم پرورشی‌مان، خانم رحمتی، لحظه‌شماری می‌کنم. امروز خانم رحمتی مثل همیشه بالبخند و یک بغل برگه‌ی رنگ آمیزی آمد توی کلاس و حال و احوالمان را پرسید.

موضوع رنگ آمیزی این هفته، تصویر خانمی بود با هاله‌ای از نور در اطرافش. خانم رحمتی پرسید: «کسی می‌داند این تصویر کیست؟» بچه‌ها حدس‌هایشان را بلندبلند گفتند: «حضرت فاطمه (س) ... حضرت زینب (س) ...»

مریم از ته کلاس بالبخندی گفت: «شاید حضرت مریم (س) است!» خانم رحمتی گفت: «بیشتر فکر کنید. راهنمایی می‌کنم. یک نفر هم اسم ایشان توی کلاس داریم! شاید خیلی از شما به زیارت حرمش هم رفته باشید.»

زود از جایم بلند شدم و گفتم: «من ... من می‌دانم! ... حضرت معصومه (س) ... حرمش در قم است.»



همان‌جا از دنیا رفت و به خاک سپرده شد.» گفتم: «پس دیگر هیچ وقت برادرش را ندید؟»

- «نه دیگر ندید. اما حرم او در قم و حرم برادرش امام رضا (ع) در مشهد پناهگاه شیعیان شد.»

با خودم فکر کردم چه حیف که حضرت معصومه (س) نتوانست برادرش را ببیند. از پدر بزرگ تشکر کردم و از او قول گرفتم به زودی برای زیارت حضرت معصومه (س) به قم برویم.

برگه‌ی رنگ آمیزی‌ام را چسباندم به دیوار و جواب سؤالم را در دفترم نوشتم تا هفته‌ی بعد سر زنگ پرورشی برای خانم رحمتی و بچه‌ها بخوانم. من خیلی خوش‌حالم که هم‌اسم حضرت معصومه (س) هستم.

خانم رحمتی گفت: «دوست دارم خودت درباره‌ی این سؤال تحقیق کنی و جوابش را هفته‌ی بعد به همه‌ی ما بگویی!»

تمام مدتی که از مدرسه به خانه برمی‌گشتم، این موضوع در ذهنم بود. باید جواب سؤالم را پیدا می‌کردم. به خانه که رسیدم، زود زنگ زدم به پدر بزرگ. مطمئن بودم او جواب سؤالم را می‌داند. پدر بزرگ خوب به حرف‌هایم گوش کرد و با مهربانی گفت: «حضرت معصومه (س) در مسیر رسیدن به توس مریض شد و از همراهانش خواست او را به شهر قم ببرند، چون می‌دانست مردم قم از دوستان خانوادگی پیامبر (ص) هستند. او و همراهانش مدتی در قم ماندند اما حضرت معصومه (س)

\* محدّثه به معنای سخن‌گو و روایت‌کننده‌ی اخبار و احادیث اهل بیت (ع) است.